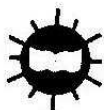


ونذیداد

کهن ترین کتاب قانون ایرانیان

احمد زور (ریاضی)



انتشارات آرمیس

اوستا. وندیداد. فارسی

ی‌دیداد. کهن‌ترین کتاب قانون ایرانیان / پژوهش و نگارش احمد نوری [آریاچهر]

تیرن: آرتامیس، ۱۳۹۸.

فهرست‌نویسی براساس فیپا

ص ۲۲۸

شایک ۶-۳-۱۰ ۹۵-۶۲۲-۹۷۸

۲۹۵/۸۲

PIR ۲۷۲ ۱۳۹۷

شماره‌ی کتاب‌نویسی ملی: ۵۵۳۱۴۹۲



انتشارات آرتامیس

تهران

کهن‌ترین کتاب قانون ایرانیان

پژوهش و نگارش: احمد موری (اریاجهر)

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: آرتامیس

شابک: ۵-۳-۸۴۰۹۵۰۶۲۲-۸

شمارگان: ۵۰۰

چاپ: دوستان

چاپ اول ۹۸

قیمت: ۴۱۰۰۰ تومان

نشانی: www.artamis-pub.com

تلفن: ۶۶۷۵۸۵۳۷-۵۶۳۴۵۱۹۳-۰۲۱

حق چاپ محفوظ است

فهرست

۹.....	سخن ناشر
۱۱.....	پیشگفتار
۲۳.....	فرگرد یکم
۲۳.....	گفتاری بر کرد یکم
۲۷.....	فرگرد یکم
۳۳.....	فرگرد دوم
۳۳.....	گفتاری بر فرگرد دوم
۳۷.....	فرگرد دوم
۴۷.....	فرگرد سوم
۵۵.....	فرگرد چهارم
۶۷.....	فرگرد پنجم
۷۹.....	فرگرد ششم
۸۷.....	فرگرد هفتم
۱۰۱.....	فرگرد هشتم
۱۲۳.....	فرگرد نهم
۱۳۵.....	فرگرد دهم
۱۴۱.....	فرگرد یازدهم
۱۴۷.....	فرگرد دوازدهم
۱۵۳.....	فرگرد سیزدهم
۱۶۳.....	فرگرد چهاردهم

۱۶۹.....	فرگرد پانزدهم
۱۷۷.....	فرگرد شانزدهم
۱۸۱.....	فرگرد هفدهم
۱۸۵.....	فرگرد هجدهم
۱۹۷.....	فرگرد نوزدهم
۲۰۷.....	فرگرد بیستم
۲۱۱.....	فرگرد بیست و یکم
۲۱۵.....	فرگرد بیست و دوم
۲۱۹.....	نمایه
۲۲۳.....	بهره داده شده

پیش‌گفتار

نام پدیدار در اوستا وی دئوداته^۱ آمده و به‌چم داد [قانون] دیوشکن یا قانون ضد در است.^۲ دئو^۳ در پهلوی و فارسی به‌گونه‌ی دیو آمده و در سنسکریت نیز به‌گونه‌ی دئو^۴ است. در آیین هندوها دیوها [دئوها] خدایان روشنایی هستند. روشنایی در ادبیات هندو و چه در ادبیات ایران به‌چم و مفهوم روشنی است. دیوها در آیین هندو ایزدان نیک و بد و برخی از آن‌ها خدایان شر و بدی زشتی نیز هستند، اما در فرهنگ ایران از دیوها همواره به‌عنوان یک موجود سرو و اهریمنی نام برده شده است. گاهی در ادبیات ایران دیو به‌مفهوم و -چم روشنایی و خرد نیز به‌کار رفته است. این واژه را می‌توان در نام‌هایی چون دیوان دیوانه، دیوانسالار یافت. در ادبیات ایران مجموع سروده و شعر یک شاعر را اندیشمند را دیوان می‌نامند، مانند دیوان حافظ، اما در مفهوم آیینی و دینی باوری به‌عنوان موجودی اهریمنی و زشت‌کار و بداندیش است. در تاریخ و فرهنگ ایران بارها ایرانیان با دیوان زشت‌کار جنگیده‌اند و همواره با آن‌ها در نبرد و مخالفت بسر می‌برده‌اند. از این گروه دیوها می‌توان به دیوهای

۱- Vi-daeva-data.

۲- Daeva.

۳- Daeva.

مازندران اشاره کرد. برابر سروده‌های شاهنامه بزرگ‌ترین نبردها را با دیوان مازندران کی کاوس و رستم و تهمورس انجام داده‌اند. در اوستا تهمورس سومین پادشاه پیشدادی دیوها را به بند کرد و آن‌ها را به کار و آموزش واداشت. در واقع دیوان مردمانی بداندیش و بی‌فرهنگ و شرور بودند که مردمان متمدن و شهرنشین و جامعه را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند.

فردوسی در شاهنامه دیو را چنین آورده است:

تومر دیو را مردم بدشناس

کسی کو ندارد ز یزدان سپاس

از دید فرهنگ ایران دیوها مردمی بی‌دین و بداندیش بودند، از این رو آن‌ها دارای داد و ستد، قانون و یا قوانینی خشن و زشت و ناپسند بودند که در آن هیچ آمیزش و زشتی با آفرینش دیده نمی‌شد. از گزارش‌های وندیداد برمی‌آید که دیوها دارای قوانینی بودند که برای آفرینش و زیست مردمان زیان‌بار و زشت بوده است. قوانینی که بر علیه سازمان و زندگی شهرنشینی و جامعه اجرا می‌شد. آلوده کردن محیط زیست، کشتن اسب و سگ، ناپاکی و گرایش به پلیدی، سوزاندن مردگان در آتش، دوری از شست‌وشوی و پاکیزگی و قربانی کردن حیوانات و بسیاری دیگر از این دست از قانون‌های دیوان و دیوپرستان بود که ایرانیان با ویژه آیین اشویی و مزدپرستی با آن‌ها مخالف بود.

از این رو مزدپرستان ایران همواره بر ضد این رفتار و فرهنگ نادرستی بودند. کتاب وندیداد یکی از روش‌های مبارزه و دور ساختن قانون دیوها و دیوپرستان از فرهنگ و جامعه ایرانی بود که در هزاره‌های دور به نگارش در آمده است. هم‌چنین در وندیداد به بهداشت و پزشکی اشاره رفته است و یکی از راه‌های مبارزه با دیوان و دیوپرستی را وجود بهداشت و دانش پزشکی می‌داند.

البته ونیدیداد کتاب و قانونی نبوده که برای تمام دوران ایران باستان مورد بهره قرار گیرد. در برخی گزارش‌ها قانون ونیدیداد را برای دوره‌ی ماد و هخامنشی، گروهی آن را برای دوره‌ی زرتشت و برخی آن را مربوط به دوره‌ی اشکانی می‌دانند. آنچه که از متن گزارش ونیدیداد برمی‌آید دانش ونیدیداد مربوط به دوران آغازین زندگی شهرنشینی ایرانیان است که مغان یا دانشمندان دینی پیش از اشوزرتشت آن را نگاشته و به اجرا درمی‌آوردند، اما پس از ظهور زرتشت به گونه‌ای آن را به آیین مزدیسنا و اشوزرتشت ارتباط دادند و بندهایی به آن اضافه کردند که نام زرتشت و یسنها در آن دیده می‌شود. از این‌رو آغاز هر فرگرد [بخش] آن با پرسش و پاسخ بین زرتشت و اهرامزدا است و بدین گونه مغان و یا دادنویسان [قانون‌نویسان] پس از زرتشت خواسته‌اند به آن [ونیدیداد] مشروعیت و رسمیت ببخشند. هرچند به روشنی مشخص نشده که آیا پس از زرتشت این قوانین نیز اجرا شده و یا اگر می‌شده تا چه دوره‌ای ادامه یافته است؟! بهروری ونیدیداد [قانون ضد دیو] از زمان و قانون‌های ایرانی در هزاره‌های پیش بوده است. شاید خواندن بسیاری از این قوانین از دید قانونی و تمدن و شهرنشینی برای مردمان امری تازه، مهم و سبک و یا خرافات و خنده‌آور باشد، اما بایستی این قوانین و ترمیم فرهنگی را با دوره‌ی خودش مقایسه کرد. دورانی که از روشنایی، برپاداشتن شکلی، زندگی مدرن و وسایل پیشرفته و تکنولوژی خبری نبوده و مردمان ایران در شرایط سخت زندگی دوران آغازین شکل‌گیری شهرنشینی با کم‌ترین امکانات زیست بسر می‌بردند.

در دوران تاریخ بسیاری از بزرگان و شاهان و فرمانروایان برای مردمان سرزمین خود قوانینی نوشته و به اجرا گذاشته‌اند که امروزه هیچ کدام از آن‌ها نه خواننده و نه نوشته و نه اجرا می‌شود، مانند قانون حمورابی پادشاه

بابل^۱ و یا قوانین مصر باستان. با توجه به گزارش وندیداد می‌توان بخش‌هایی از این قوانین را بسیار کهن‌تر از قانون حمورابی دانست. سادگی آن می‌رساند که مردم ایران در ساده‌ترین و آغازی‌ترین سطح شهرنشینی و روستانشینی قرار داشته‌اند و یا در آستانه‌ی شکل‌گیری کشاورزی بسر می‌برده‌اند. داشتن سگ و زمین‌های پاک برای کشاورزی و چاه‌های کشاورزی^۲ گواه بر کهن بودن گزارش‌های وندیداد است. در واقع وندیداد جزو نخستین قوانین شهرنشینی ایرانیان و یا جهانیان است و حتی می‌توان آن را از کهن‌ترین قوانین به شمار آورد.^۳

وندیداد دارای قانونی است که بر پایه فرهنگ ایرانیان باستان و در راستای همجاری با طبیعت و قانون اشا نوشته شده. بزرگداشت و پاسداشت جانداران گیاهان آب‌آتش و زمین همگی بیانگر فرهنگ غنی و پیشرفته تاریخ کهن مردمان ایران است. وندیداد تنها برای پاسداشت و نکوداشت و نیکی‌های آفرینش داد و آیین نیست. در کتاب داد [قانون] وندیداد به گونه‌ی مردم [انسان] نیز بسیار توجه شده و ارزش گذاشته است. در فرهنگ ایران باستان مردمانی که کوشا و بر تلاش بودند و دارای خانواده و فرزند می‌شدند همواره از ارزش و اهمیت بیشتر به برخوردار بودند. تنبلی و

۱- حمورابی پادشاه بابل از سلسله‌ی اول دوره‌ی پادشاهی از ۲۶۰۰ تا ۲۰۸۱ پیش از میلاد. کتاب تاریخ بابل از لئوناردو کینگ ترجمه‌ی رقیه بهزادی انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۳.

۲- فرگرد ششم وندیداد.

۳- اگر وندیداد را هم‌دوره‌ی آغازین شهرنشینی و کشاورزی در ایران بدانیم پیشینه‌ی آن به بیش از هزاره‌ی هفتم پیش از میلاد می‌رسد. براساس گزارش‌های به‌دست آمده‌ی باستان‌شناسی تاریخ ساخت خانه و آغاز کشاورزی در ایران پیش از نه هزار سال قدمت دارد.

کاهلی و بی‌تکلیفی و بی‌مسئولیتی در جامعه‌ی ایرانی بسیار نکوهیده و زشت به شمار می‌آمد. در اوستا از سروده‌های اشوزرتشت [گاتها] گرفته تا وندیداد بارها به این مهم اشاره رفته است. جایگاه خانواده و انسان در فرهنگ ایرانی بسیار بالا و با ارزش بوده است. در واقع بن‌مایه ساختار اجتماع ایرانی خانواده‌ها هستند که البته این تنها ویژه‌ی جامعه ایران نبوده بلکه همه‌ی سرزمین‌ها و اقوام شکل‌گیری جوامع‌شان از خانواده آغاز می‌شود، اما اشاره و تاکید بر انسانیت و خانواده در گزارش‌های کهن ایرانی به ویژه اوستا بسیار در خور توجه است. بر این پایه در وندیداد زاده شدن و به وجود آمدن برای سانی نیز بسیار ارزشمند و مهم بوده است. حتی اگر فرزندی از راه نامشروع و غیر قانونی و به دور از آیین همسرگزینی به وجود می‌آمد و زاده می‌شد همان جایگاه را داشته و هیچ‌گاه این گونه فرزندان به نام و نشان زشت خوانده و نامیده نمی‌شدند. از اینرو برای دختر [مادری] که ناخواسته و از راه غیر آیینی [نامشروع] دارای فرزند می‌شد قوانینی سخت وجود داشت تا آن فرزند ناخواسته را تا هنگام زایمان به درستی نگاه دارد و اجازه سقط و از بین بردن آن را نداشت همچنین مسئولیت نگهداری آن بر عهده پدر نامشروع و سرخاوری فرزند زاده شده و یا پدر و مادر دختر دارای آن فرزند بود. [نگاه کنید به برگرد پانزدهم] این قوانین احترام‌آمیز به زاده شدن یک نوزاد انسان بسیر پیش‌رفته و کامل بوده است به گونه‌ای که حتی در این دوران پس از هزاران سال کشورهای انگشت‌شمار به آن توجه کرده و به اجرا در می‌آورند.

خلاف این که بسیاری از پژوهشگران و اوستاشناسان وندیداد را جزو اوستا و آیین زرتشت می‌دانند، بایستی گفت که وندیداد نه جزو آیین و دین زرتشت است و نه سروده‌ی او؛ بلکه دستورات و فرامین قانون مدنی دوران کهن ایران است که در دوران پیش‌تر با نام زرتشت و دین زرتشت

ارزش دینی یافت و هم‌چنین به خط اوستایی نگاشته شده، اما در آن نماز و نیایش و آیین ستایشی مانند گاتها و یسنا و خرده اوستا نوشته نشده است و گاهی فقط یکی از نمازها به بندهای پایانی فرگردها افزوده شده است.

وندیداد بیش‌تر از جنبه‌ی تاریخی و ادبیاتی مورد توجه است تا جنبه‌ی دینی و آیینی. امروزه هیچ یک از زرتشتیان و یا ایرانیان چه در ایران و چه در بیرون از ایران قوانین وندیداد را اجرا نمی‌کنند چراکه قانون همراهین شهرنشینی و دادگری در هر دوره‌ی براساس زمان و مکان و جغرافیا تغییرپذیر است و هیچگاه ثابت نمی‌ماند. پس از دو روی ما می‌توانیم به وندیداد و ارزش‌های آن بپردازیم. یکی کهن بودن این سروده‌ها و قوانین و جایگاه فرهنگی و تمدن و دانش ایرانیان را در دوران باستان بازگو می‌کنند و دوم این که وندیداد به دبیره‌ی زبان اوستایی نگاشته شده است و دارای ارزش ادبیاتی بسیار بالایی است. وندیداد تنها نسک اوستایی دوره‌ی ساسانی است که به طور کامل به دست ما رسیده است و در مجموعه اوستا نوزدهمین نسک به‌ده است.^۱

البته جای بسی پرسش و تعجب دارد که چرا از اوستای کهن به ویژه اوستای دوره‌ی ساسانی تنها وندیداد است که به طور کامل مانده و نگهداری شده است و این اتفاق برای دیگر بخش‌های اوستا نیافتاده! یکی از دلایل ماندگاری کامل این بخش از اوستا این است که این بخش مربوط به احکام و قوانین بوده و پیشوایان دینی که از آن بهره می‌گرفتند در نگهداری آن کوشش بسیار کرده‌اند. وندیداد دارای بیست و دو فرگرد [بخش] است که هر فرگرد دارای چندین بند. کوتاه‌ترین آن فرگرد هفده است و دارای یازده بند. بلندترین آن فرگرد هشتم است و دارای یک‌صد و هفت بند. متن و گزارش وندیداد شامل قوانین و آداب پاکیزگی و

۱- اوستا کتاب مقدس پارسیان، فردریش گلدنر، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۱، تهران.

شست و شو، پزشکی، بهداشت، گله داری، زمین داری و در آن پادافره و پاداش هر کنش درست یا نادرست آورده شده و اندازه‌ی کیفر گناهان در آن مشخص شده است. وندیداد علاوه بر این که دارای ارزش قانونی و کیفری بوده، گزارش‌ها و آگاهی‌های پزشکی، جغرافیایی و تاریخی و ستاره‌شناسی هم داراست.

پس برای این که شهرها و سرزمین‌ها و مردمانش به پلیدی و تباهی نرسند و به دور از آسیب و کیفر باشند برآنها بوده که از داد و آیین آورده شده در وندیداد پیروی کنند و آن را به اجرا گذارند. پس قانون ضد دیو در وندیداد به گونه‌ای سنجار و پایداری مردمان و سرزمین‌ها را در پی داشته است. آیین و داد و وندیداد در آغازین سده‌های شکل‌گیری تمدن و فرهنگ ایرانیان مقدس و متون به شمار می‌آمده و برای همین جزو احکام و داد دینی خوانده می‌شود. بر همین پایه این داد [قانون] کهن جزوی از کتاب مینوی اوستا شده است که در دوران پیش‌تر با آوردن نام اهورامزدا و گفت‌وگو میان او و اشو زرتشت به تقدس و ارزش آن افزوده شده است.

اما همان‌گونه که پیش‌تر آورده شده داد و قانون وندیداد ربطی به پیام و دین زرتشت ندارد و این قوانین جامعه کهن‌تر از دینی زرتشت را در برمی‌گیرد و برخی از آن در دوره‌های پسین‌تر از زرتشت به دین مزدا سنا آمیخته است. وندیداد اصولاً احکام اجتماعی مدنی است نه آموزش و پیام‌های دینی و اهورایی.

نخستین فرگرد [بخش] وندیداد گزارشی درباره‌ی سرزمین ایران و شهرهای آن آورده و این که آنها با داشتن زیبایی و نیکی دچار چه زشتی و پلیدی‌هایی شده‌اند و بداندیشی و بدکنشی مردمان چه بر سر آنها آورده است.